

فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)
سال بیست و پنجم، دوره جدید، شماره ۲۶، پیاپی ۱۱۶، تابستان ۱۳۹۴

اندیشه تشکیل ارتش ملی در نخستین دوره مجلس شورای ملی

علی رضا ملائی توانی^۱
سیده فاطمه سهیلی^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۱۰

تاریخ تصویب: ۹۳/۹/۲

چکیده

با پیروزی نهضت مشروطه و تأسیس مجلس، اندیشه دفاع از استقلال و تمامیت ارضی کشور از سطح سیاست مردان به جامعه تسری یافت و دگرگونی مهمی در نگرش ایرانیان به قوای دفاعی کشور پدید آمد. انجمن‌های ایالتی با پیش‌گامی در این مسیر، برای مشق نظامی مردم از مجلس درخواست مجوز کردند. این امرکنش‌ها و واکنش‌هایی را در سطح مجلس، دولت و مردم برانگیخت؛ چنان‌که مجلس وزارت جنگ را به پاسخ‌گویی در برابر این امر واداشت و به نقد عمل کرد بریگاد قزاق پرداخت. اما مهم‌تر از همه، طرح تشکیل

۱. دانشیار تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ mollaiynet@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ارتش ملی در مجلس بود که بررسی آن مسئله اصلی این مقاله است. در پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی می‌کوشیم اقدامات و رویکردهای مجلس را در جهت تشکیل ارتش ملی به همراه واکنش‌ها و پیامدهای آن ارزیابی کنیم. اندیشه تشکیل ارتش ملی هرچند با پشتیبانی مجلس و مشروطه‌خواهان نزدیک بود به تأسیس نیروی نظامی کارآمد بینجامد، با جنگ قدرتی که بین شاه و مجلس در گرفت، استبدادگران مسئله ارتش ملی را در تضاد با ارتش دولتی برشمردند و مانع از تحقق آن شدند.

واژه‌های کلیدی: مجلس، ارتش ملی، بریگاد قزاق، مشق نظامی.

۱. مقدمه

شکست ایران در جنگ با روسیه اندیشه اصلاحات نظامی را در میان حکومتگران قاجار شکل داد و عباس میرزا را به تلاش برای ایجاد ارتشی نو واداشت. اصلاحات او به‌سختی و کندی در زمان محمدشاه ادامه یافت و تا دوره ناصری به تغییراتی در حوزه تجهیز سپاه، استفاده از کارشناسان نظامی اروپایی، تأسیس دارالترجمه برای کتب راهنمای نظامی و مهندسی، و اعزام نخستین گروه دانشجویان ایرانی به اروپا برای تحصیل در علوم نظامی، مهندسی، اسلحه‌سازی، طب، نقشه‌برداری و زبان‌های جدید انجامید (آبراهامیان، ۱۳۹۱: ۴۸).

در دوره ناصری به ابتکار وزرای اصلاح‌طلبی همچون امیرکبیر و سپهسالار تغییرات مهمی در قوای نظامی ایران پدید آمد. تلاش‌های امیرکبیر در راه اصلاح قوای دفاعی ایران بیشتر بر خوداتکایی و بالا بردن سطح فنی ارتش براساس علوم نو غرب استوار بود. در نتیجه، همسایگان خارجی این امر را تاب نیاورده، با مخالفان داخلی هم‌دست شدند و با قتل امیرکبیر اصلاحات وی را ناکام گذاشتند (شمیم، ۱۳۸۷: ۱۴۸). چند دهه بعد، بریگاد

قزاق با مساعی سپهسالار به تقلید از قشون منظم روسیه در ۱۸۷۹م/ ۱۲۹۶ق تشکیل شد (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۴۵/۱).

بریگاد قزاق تنها نیروی نظامی منظم ایران تا قبل از دوره مشروطه بود که هرگز نتوانست به‌عنوان نیروی جای‌گزين ارتش ایران عمل کند؛ زیرا فرمان‌دهی، تشکیلات و تعلیمات آن همگی در جهت گسترش نفوذ روسیه و سلطه آن کشور بر مقدرات ایران طراحی شده بود. به همین سبب، وابستگی نسبی و ظاهری بریگاد قزاق به حکومت ایران و تبعیت آن از سفارت روسیه در تهران و دفاع از منافع روسیه در سطحی گسترده موجبات اعتراض محافل سیاسی و فکری ایران را فراهم آورد و صدای اعتراض حکومت را برانگیخت؛ زیرا بریگاد هرگز بدون اجازه سفارت روسیه دست به کوچک‌ترین اقدامی نمی‌زد و حتی دستورهای شاه و دربار سلطنتی را نادیده می‌گرفت (طوسی، ۱۳۶۹: ۱۱۲).

بدیهی است این موضوع از چشم مجلس شورای ملی دور نمی‌ماند. افزون‌بر این، مجلس نمی‌توانست نوسازی ارتش را به فراموشی سپارد. حال این پرسش‌ها مطرح می‌شود: چرا توجه مجلس به ایجاد ارتش ملی جلب شد؟ مجلس در راه تشکیل ارتش ملی چه گام‌هایی برداشت؟ چرا طرح ارتش ملی به تقابل با ارتش دولتی کشانده شد و ناکام ماند؟ تاکنون هیچ پژوهش مستقلی درباره اندیشه تشکیل ارتش ملی در نخستین مجلس شورای ملی صورت نگرفته است. حتی در آثاری که به تاریخ نظامی ایران پرداخته‌اند، مانند «ارتش ایران ۱۲۵۹-۱۲۸۶ ه.ش، ۱۸۸۰-۱۹۰۷ م.» اثر رضا رئیس طوسی، نقش ارتش در تحولات تاریخی ایران نوشته ناصر فرزند، تاریخ تحولات نظام ایران و نیز تاریخ ژاندارمری ایران از قدیمی‌ترین ایام تا عصر حاضر نوشته جهانگیر قائم‌مقامی، رضاشاه و ارتش نوین اثر استفانی کرونین و مجاهدان مشروطه نوشته سهراب یزدان، مسئله تشکیل ارتش ملی در مجلس بحث نشده است. با عنایت به خلأ موجود در این زمینه می‌کوشیم تا گوشه‌هایی از تلاش‌های مجلس را در تکوین این اندیشه نشان دهیم.

۲. مجلس اول و اعتراض به ساختار نظامی کشور

قبل از تکوین اندیشهٔ ارتش ملی در مجلس اول، دو موضوع حساسیت نمایندگان را به ضرورت اصلاح قوای دفاعی کشور برانگیخت: یکی تعیین وزیر جنگ و دیگری ساختار قوای قزاق. البته در کنار این موضوع، مسئلهٔ ناامنی فراگیر در سراسر کشور نیز لزوم این مهم را افزون‌تر می‌کرد. اکنون این دو موضوع را به اختصار بررسی می‌کنیم.

۱-۲. مسئلهٔ معرفی وزیر جنگ در مجلس

یکی از مهم‌ترین اقدامات و کارکردهای مجلس، نظارت بر قوهٔ مجریه و نیز رأی اعتماد یا عدم اعتماد به کابینه بود. به همین سبب، پس از گشایش مجلس شورای ملی براساس روال نظام‌های دموکراتیک باید اعضای کابینه به مجلس معرفی می‌شدند تا پس از رأی اعتماد مجلس فعالیت خود را آغاز کنند. محتشم‌السلطنه روز یکشنبه ۱۹ ذی‌الحجهٔ ۱۳۲۴ از سوی صدراعظم (میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله) شش تن از وزرای کابینه را به مجلس معرفی کند که بین آن‌ها وزیر جنگ وجود نداشت و به جای آن، نام علاء‌الملک به‌عنوان وزیر لشکر اعلام شده بود. این امر اعتراض نمایندگان مجلس را برانگیخت؛ اما محتشم‌السلطنه در پاسخ گفت که وزیر جنگ فقط درمقابل شاه مسئول است، نه در برابر نمایندگان و فقط وزیر لشکر می‌تواند طرف سؤال نمایندگان باشد.

سعدالدوله و تقی‌زاده، از نمایندگان تندروی مجلس، معتقد بودند که دولت باید به‌جای واژهٔ وزیر لشکر، از واژهٔ وزیر جنگ استفاده کند و به‌صراحت اعلام کند که وزیر جنگ باید فقط به مجلس پاسخ گو باشد؛ اما مخبرالسلطنه، از نمایندگان مجلس، اظهار کرد که هر وزیری که در برابر دولت مسئول باشد، درمقابل مجلس هم مسئول است. او سپس از تقی‌زاده پرسید: «از شما سؤال می‌کنم مسئول بودجه نظام کیست؟ تقی‌زاده: مسئول وزیر جنگ است. مخبرالسلطنه: وزیر لشکر است، وزیر جنگ یا سپهسالار و ادارهٔ عسکری داخل در مسئولیت نیستند». حاجی محمد اسمعیل در پاسخ به مخبرالسلطنه گفت: معنای وزیر براساس استدلال شما کسی است «که مخارج دولتی دارد. مخارج را وزیر جنگ دارد نه وزیر لشکر. وزیر لشکر منشی است وزیر نیست». بدین ترتیب، مخبرالسلطنه قانع شد که

واژه وزیر جنگ ذکر شود (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، جلسه ۱۹ ذی‌الحجه ۱۳۲۴).

ممکن است تصور کنیم که این ایراد لفظی است؛ اما واقعیت جز این بود و در پس این اقدام دولت، انگیزه‌ای نهفته بود که کسروی آن را به درستی گفته است: «راستی این بود که محمدعلی میرزا مجلس را خوار می‌گرفت و چنین می‌خواست که پدرزن خود کامران میرزا را در وزیر جنگی نگه دارد بی‌آنکه کسی بتواند از او بازپرسی کند» (کسروی، ۱۳۸۳: ۲۰۸).

محمدعلی شاه که در موضوع معرفی وزیر جنگ شکست خورد، با کمک طرف‌دارانش کوشید در همه جای کشور با ایجاد بحران و ناامنی، به ستیز با مشروطه‌خواهان بپردازد. او معتقد بود اگر ناامنی و دزدی در سرتاسر ایران شیوع پیدا کند و مردم مخصوصاً تجار را در فشار ناامنی قرار بدهند، مردم از مشروطیت روگردان خواهند شد و برای حفظ جان و مال خود از سلطنت مطلقه دفاع خواهند کرد و کشورهای بیگانه که در ایران منافع تجارتهای دارند، این ناامنی را از مشروطیت خواهند دانست؛ در نتیجه مشروطه به بن‌بست می‌رسد (ملکزاده، ۱۳۲۹: ۲/۲۲۵).

۲-۲. اعتراض مجلس به سازمان و عمل کرد بریگاد قزاق

قوای قزاق که در مسیر اقتدارگرایی شاه تلاش می‌کرد و در بسیاری از موارد عامل هرج و مرج و ناامنی بود، کم‌کم اعتراض مجلس و مشروطه‌خواهان را برانگیخت. علت این امر افزون بر سرسپردگی قزاق‌ها به روس‌ها، ناشی از رفتار تحقیرآمیز آنان با مردم ایران بود. برای مثال، کاساکوفسکی، فرمانده وقت بریگاد، پس از استخدام نیرو از افراد ایل شاهسون عملاً این ایل را به کنترل فرمانده بریگاد درآورد و با رفتار خود نارضایتی شاهسونان را برانگیخت (کرونین، ۱۳۷۷: ۱۱۳). اجحاف زیاد پالکونیک در حق شاهسون‌ها همچون تحمیل مالیات سنگین و دریافت اسب از اهالی، سبب اعتراض شاهسون‌ها به مجلس شد. مجلس در جلسه ۲۱ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ درباره این موضوع بحث کرد که چرا

رعایای ایران باید تحت حکومت پالکونیک باشند. سرانجام، پس از تلاش‌های فراوان مجلس، پالکونیک عزل، و ایل شاهسون آزاد شد (تهرانی کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۶۳۰-۶۳۱).

افزون بر این، اخبار تجاوزگری‌های همه‌روزه و درگیری‌های مستمر قزاقان با مردم ایران به علت رفتار نامناسب آنان، از حوادثی بود که مکرر منتشر می‌شد. برای نمونه، رفتار قزاق‌ها با زنان در سبزوار موجب اعتراض شدید اهالی شد (سند 1-114/GH1324/K21/P06 از آرشیو وزارت امور خارجه ایران)؛ درحالی که مجلس انتظار داشت قزاق‌ها ضمن پشتیبانی از امنیت شهروندان، در دفع مخاطرات خارجی نیز بکوشند.

سرانجام، آنچه باعث شد مجلس با حساسیت ویژه‌ای به موضوع بریگاد قزاق بپردازد، این بود که فرماندهٔ بریگاد قزاق مبلغی هنگفت برای خرید اسلحه، آن‌هم بدون اطلاع وزارت جنگ، دریافت کرده بود. اما مجلس که نمی‌توانست از نادیده گرفته شدن وزارت جنگ چشم‌پوشد، به رسمیت نشناختن وزارت جنگ را به معنای به رسمیت نشناختن دولت تلقی کرد (مستشارالدوله صادق، ۱۳۶۲: ۳۴-۳۵). اموری از این دست به استیضاح وزیر جنگ منجر شد؛ چنان‌که سه‌شنبه واپسین روز ماه ذی‌قعدة ۱۳۲۴ نمایندگان پس از مذاکره درباب ناامنی موجود در کشور به انتقاد از قوای قزاق پرداختند. آقا میرسیدمحمد گفت: «ترتیب قزاق‌خانه را من نمی‌دانم چطور است؟ این‌ها نوکر روس هستند یا نوکر ایران. اگر نوکر روس هستند، ما نوکر روس نیاز نداریم. اگر نوکر ایران هستند پس چرا علامت نظامی ایران در آن‌ها نیست؟ این یک نفر مشاق روسی آمده ببینید چه کارها کرده؟». رئیس مجلس (صنیع‌الدوله) پاسخ داد: «البته این‌ها نوکر ایران‌اند و باید در تحت فرمان دولت ایران باشند». آقا میرسیدمحمد گفت: «این‌ها علامت نوکری ایران را ابداً ندارند. علاوه چندی قبل در شمیران سفیر روس آمد، احترامات زیاد کردند. نایب‌السلطنه آمد احترامی برای او نکردند». بدین ترتیب، موضوع وابستگی قزاقان به روسیه و نیز نشانه‌های نظامی آنان مورد اعتراض مجلس قرار گرفت و مجلس به صورت فعالانه به گفت‌وگو در این باره پرداخت و ادامهٔ مذاکرات به نشست بعدی مجلس یعنی روز پنج‌شنبه ۹ ذی‌الحجه ۱۳۲۴ موکول شد. در این نشست، در حین مکالمات نمایندگان دربارهٔ وضع مالیه و بودجهٔ ارگان‌های دولتی، سیدالحکما (سیدیحیی لاریجانی) نمایندهٔ اعیان و

زمین‌داران تهران، به قوای قزاق در مجلس حساسیت زیادی نشان داد. وی گفت: «کنتراکت قزاق‌خانه را بایست فهمید که سالی دویست و هشتاد هزار تومان که از دولت می‌گیرند چه کرده و می‌کنند؟ این‌ها همه ضرر دولت و ملت است. چرا رسیدگی و تحقیق نمی‌شود و قواعد مسئولیت به عمل نمی‌آید؟». در جلسه‌ای دیگر هم وی خواستار پرسش از وزیر جنگ دربارهٔ پلکنیک رئیس قزاق‌خانه شد و پرسید: «وی ۲۸ سال است به این مملکت آمده و تصرفات و تعدیات زیاد نموده» (مذاکرات مجلس اول، یکشنبه ۲۸ ربیع‌الاول ۱۳۲۵).

افزون بر این، مطبوعات مشروطه‌خواه نیز همگام با مجلس ضمن انتقاد از رفتار بریگاد قزاق، از اقدامات مجلس در مسیر اصلاح نظامی ایران پشتیبانی کردند. با این همه، در مجلس اول دیگر هیچ سخنی دربارهٔ قشون قزاق مطرح نشد؛ اما در همین سطح نیز می‌توان عمق نارضایتی نمایندگان را از وضع موجود تنها نیروی منظم کشور درک کرد. یکی از دلایل مطرح نشدن این امر در مجلس اول، ابراز وفاداری فرمانده و اجزای بلندمرتبه بریگاد قزاق به مجلس و مشروطه و پشتیبانی از آن بود؛ چنان‌که قزاق‌خانه با احساس خطر از موضع مجلس، بی‌درنگ به بهبود مناسبات خود با مجلس همت گماشت. آن‌ها طی تعهدنامه‌ای در برابر انجمن‌ها و چند تن از سران ملت از جمله آیت‌الله طباطبایی در سوم رجب ۱۳۲۴، سوگند خوردند هرگاه از آن‌ها خیانتی به دولت و ملت ایران بروز کند، خاطیان برای مجازات به دست اولیای دولت و ملت سپرده خواهند شد تا برای عبرت دیگران اعدام شوند و هیچ ترحمی به بازماندگان آن‌ها صورت نخواهد گرفت (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۸۴: ۳/۵۰۱). با وجود این، در عمل قوای قزاق حتی در ظاهر تابع ایران نبودند. عناصر ظاهری این قشون نیز به قشون دولتی ایران شباهتی نداشت. برای مثال، رئیس قزاق ایران در سر پاکت رسمی طمغه عقاب را استعمال می‌کرد تا نشان دهد سواره قزاق ایران یک فرقه از قزاق‌های روسیه است (روزنامهٔ جبل‌المتین، ۱۳۲۴، س ۱۴، ش ۵، ص ۱۲). به گزارش کتاب *آبی*، قشون قزاق با آنکه از پول ایران پرورش می‌یافت، فقط به منافع روس خدمت می‌کرد. همهٔ قزاقان با هر درجه‌ای هرگاه به یکی از ولایات مأمور می-

شدند، مکلف بودند از چگونگی محل توقف خود گزارش‌های دقیق به مرکز ریاست ارائه دهند (کتاب آبی، ۱۳۶۲: ۱/۶۳).

۳. مسئله تشکیل ارتش ملی

نخستین بار در پی انتشار خبر تشکیل قشون ملی در تبریز و مشق نظامی مردم در آن شهر، حساسیت مجلس برانگیخته شد. سهراب یزدانی احتمال می‌دهد که ابتکار تشکیل قوای مجاهد در تبریز به پیش‌نهاد اجتماع‌یون باکو بوده باشد که «به رهبران غیبی گوش زد کردند که برپایی سازمان مسلح ملی برای رویارویی با نیروهای آزادی‌کش ضروری است» (یزدانی، ۱۳۸۸: ۵۵). سوسیال‌دموکرات‌های باکو که امکان سرکوبی همچون انقلاب روسیه در ایران را منتفی نمی‌دانستند، انجمن تبریز را تشویق کردند که سپاه داوطلب تشکیل دهد (آفاری، ۱۳۷۹: ۱۱۵). در مجلس مباحثه مفصلی در این باب در گرفت. در جلسه روز شنبه ۲۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۵، یکی از نمایندگان مجلس به نام آقا سیدمحمدتقی تلگراف مردم تبریز خطاب به مجلس را قرائت کرد. در این تلگراف آمده بود: «بعضی از اهالی تبریز لباس مخصوصی از برای خودشان ترتیب داده و هفته‌ای دو روز مشغول تیراندازی و مشق نظامی هستند». در متن تلگراف و مذاکرات آن روز مجلس، درباره انگیزه تبریزیان از ارتکاب به این اقدام سخنی به میان نیامد. فقط قبل از قرائت تلگراف، محتشم‌السلطنه گفت برای امنیت راه‌ها و خیابان‌های آذربایجان از جانب دولت به نظام‌الملک و سایر حکام تلگرافی درخواست شده که انجمن‌ها در امور دخالت نکنند. در میان نمایندگان مجلس، فقط وکیل‌التجار درباره محتوای این تلگراف گفت: «حال که در میان ملت هیجانی پدیدار شده است، خوب است که از طرف دولت اقدامی شود که این جمع در تحت اداره نظامی درآمده، البته در مواقع لزوم به درد خواهند خورد»؛ اما رئیس مجلس با ذکر این جمله که «کلیه ترتیب نظام در این مملکت تغییر خواهد کرد، انشاءالله آن وقت ترتیبات صحیحه داده خواهد شد»، تصمیم‌گیری در این زمینه را به وقتی دیگر موکول کرد تا مبادا مجلس به تصمیم‌گیری هیجانی و شتاب دست یازد.

پیامد منطقی این تلگراف و گزارش مشق نظامی داوطلبان تبریزی، انگیزه و اندیشه تشکیل ارتش ملی را در مجلس مطرح کرد و مجلس را به تأمل در این باره واداشت؛ چنان که در جلسه ۲۷ ربیع الثانی ۱۳۲۵ شرف الدوله، نماینده آذربایجان، لایحه‌ای تقدیم مجلس کرد که در آن ضمن اشاره به لزوم سامان‌دهی قشون، پرداخت به موقع مواجب سپاهیان و تقاضای ارسال سریع نظام‌نامه انجمن‌های ایالتی جهت «رفع انقلابات و اغتشاش ولایات» آمده بود:

حالا که ملت عزیز وطن خواه مملکت ایران به این مقام آمده‌اند که در راه حفظ وطن و بیضه اسلام جان‌نثاری نمایند و خودشان را فدای ترقی کشور کنند، چه ضرری دارد که دولت افسران آگاه را به ولایت‌ها بفرستد تا به تمام طبقات مستعد کشور مشق نظامی بدهند و علم جنگ بیاموزند تا در اندک مدتی با کمترین هزینه ایران دارای قشون صحیح شود و در موقع لزوم در راه وطن پرستی جان‌بازی کنند (روزنامه مجلس، ۱۳۲۵، س ۱، ش ۱۰۹، ص ۳).

به تدریج مذاکرات میان نمایندگان درباره ارتش ملی اهمیت و عمق بیشتری پیدا کرد؛ اما در همان حال که مجلس به تأسیس ارتش ملی می‌اندیشید، درگیری‌ها و اغتشاشات داخلی در بیشتر ولایات همچون آذربایجان، فارس، کرمان، خراسان، استرآباد، مازندران و گیلان گسترش یافت و محمدعلی شاه عناد و عداوت خود را با اساس مجلس آشکارتر کرد و علناً به کارشکنی همه‌جانبه در امور مشروطه‌خواهان پرداخت. بنابراین، از یک سو ناآرامی‌های داخلی و مخالفت‌های دربار و از سوی دیگر معاهده ۱۹۰۷م روس و انگلیس و تجاوزات عثمانی بر نگرانی ایرانیان افزود. بسیاری از نمایندگان مجلس به این می‌اندیشیدند که مبادا ایران همچون مراکش، مصر و کره استقلال خود را از دست دهد. به همین منظور سه‌شنبه ۲۸ رمضان ۱۳۲۵، امر دفاع از میهن در مجلس با استفاده از آموزه‌های تشیع آشکارا رنگ ملی - مذهبی یافت که مختصری از آن در ادامه بیان می‌شود:

حاج میرزایحیی امام جمعه خویی: این مملکت، مملکت شیعه است اما چرا هشت ماه پس از تجاوز عثمانی کسی در اندیشه اعزام قشون برای مقابله با آنها نیست؟ اگر فردا یک دولت قوی‌تر به کشور حمله کند چه خواهید کرد؟ چرا سرباز درست نمی‌کنید؟ چرا در

فکر قشون نیستید؟ اول بیاید پسر مرا به سربازی بگیرید. همه آقایان حاضرند فرزندشان را برای حفظ اسلام و مملکت به سربازی بفرستند.

شهاب الدوله: اصلاح مملکت تنها مختص مجلس و دولت نیست و مردم نیز در آن شریک‌اند.

تقی‌زاده: تمام این نطق‌های مهیجانه صحیح است و باید بیش از این‌ها در مساجد و مجامع گفته شود و مردم را آگاه کرد؛ ولی من معتقدم دولت ایران عاجز نیست و برای حفظ حدود و ثغور خود باید قشون تهیه کند.

رئیس مجلس صنیع الدوله: با تأیید سخنان تقی‌زاده گفت: باید جداً از دولت خواست که در اندیشه سرباز و قشون باشد. از فردا در مجلس به همین موضوع خواهیم پرداخت و کمیونی مخصوص تشکیل می‌دهیم.

میرزا ابوالحسن خان (معاذالسلطنه): باید سرباز را مطابق قانون اساسی گرفت.

سپس مذاکرات به استخدام معلم برای تعلیم قشون و مخارج آن کشیده شد و شیخ محمد تقی و کیل‌الرعایا گفت: باید ببینید در بدو اسلام چه کردند. ما اکنون از آن نقشه دور افتاده‌ایم این آخرین دوی ماست. من حاضرم فرزندم را در هر میدانی که می‌گویید بفرستم. امام‌جمعه نیز در تکمیل سخنان خود گفت: همه می‌دانید که قشون چریک امروزه به درد نمی‌خورد. اینکه در بدو اسلام مردم به جهاد می‌رفتند، صحیح است؛ ولی امروز با این توپ و اسلحه جدید باید قشون منظم شکل داد. از وزیر جنگ بخواهیم که لااقل یک قشون هشتاد هزار نفری ترتیب دهد تا همسایگان هم چشم طمع به کشور ندوزند (روزنامه مجلس، ۱۳۲۵، س ۱، ش ۲۰۳، ص ۲-۴).

این گفت‌وگوها در جلسه بعد هم تداوم یافت و به موازات تلاش نمایندگان برای تدوین سازکاری قانونی برای بهره‌گیری از نیروی ملی، ناامنی‌های موجود و تقاضاهای انجمن‌ها و مردم بر شدت این اقدامات افزود. اما آشکار بود که صنیع الدوله، رئیس مجلس، از ایجاد هرج و مرج، تفرقه و افزایش تنش میان مجلس و دربار (ملت و دولت) بر سر ارتش ملی بیمناک بود. تلاش برای مسکوت نهادن موضوع ناکام ماند؛ چنان‌که تقی‌زاده در واپسین روز ماه رمضان ۱۳۲۵ بار دیگر بحث درباره ارتش ملی را در مجلس از سر گرفت.

او گفت تا زمانی که اذهان مردم متوجه این مطلب است و هیجانی دارند، زودتر باید اداره‌ای برای این کار تشکیل داد تا سربازهای داوطلب به خدمت گرفته شوند. در جریان تبادل نظر نمایندگان درباب سن ورود به قشون که ۱۸ یا ۲۱ سال باشد، نگرانی‌ها از تقابل ارتش دولتی و ملی در مجلس زیادتر شد. آنچه بر این نگرانی‌ها افزود، شرایط حاد کشور بود؛ زیرا روابط شاه و مجلس به نقطه بحران رسیده بود؛ با این همه، مجلس به مذاکرات خود ادامه داد:

شیخ حسین گفت: حالا که هیئت دولت و ملت یکی است، اجازه داده شود که همه علم جهاد بیاموزند. رئیس (صنیع‌الدوله) گفت: نباید مسئله به گونه‌ای طرح شود که گویی دولت یا مجلس با تشکیل قشون ملی مخالف هستند. دولت و ملت یکی است و این قشون را باید از روی ترتیب صحیح شکل داد (روزنامه مجلس، ۱۳۲۵، س ۱، ش ۲۰۴، ص ۴).

با این همه، مجلس این موضوع را مسکوت نهاد. از تعلل مجلس آشکار می‌شود که صنیع‌الدوله از ادامه مذاکرات مجلس درباره ارتش ملی خوف داشت. به اذعان قهرمان میرزا سالور (عین‌السلطنه)، رئیس مجلس از جریان سرباز ملی ناخشنود بود و اعتقاد داشت که «تمام کار مملکت بازی شده» (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۳/ ۲۰۷۹)؛ اما شایسته‌تر این است که تصور کنیم او قصد داشت با پرهیز از هر گونه اقدام احساسی، تصمیمات مجلس را در مسیر عقلانیت و منطبق با واقعیات به جریان بیندازد؛ چنان که او با تصدیق لزوم تشکیل قشون منظم، خواهان تشکیل کمیسیونی برای رسیدگی به این امر شد تا کارها برپایه روال قانونی صورت پذیرد و هرگز این ذهنیت پدید نیاید که تشکیل قشون ملی در تقابل با قشون دولتی قرار دارد (مذاکرات مجلس اول، پنجشنبه، سلخ رمضان ۱۳۲۵).

اما چرا مجلس اندیشه تشکیل ارتش ملی را کنار نهاد؟ پاسخ این مسئله را باید در متن تحولات مشروطه جست‌وجو کرد. مجلس در این برهه، درگیری‌های حاد و پرتنش با محمدعلی شاه پیدا کرد و مانع تشکیل کمیسیون نظامی و تدوین قانون نظام شد. یکی از این جنجال‌ها، واقعه میدان توپخانه در ۹ ذی‌قعدة ۱۳۲۵ و درگیری مشروطه‌خواهان با مشروطه‌خواهان بود که آشکارا محمدعلی شاه آن‌ها را تحریک و حمایت می‌کرد. این حادثه با آنکه نقطه عطفی در تکوین اندیشه قشون ملی در مجلس اول بود، با مداخله دربار

اندیشهٔ تأسیس قشون ملی به منزلهٔ تقابل با قوای دولتی معنا شد که پیامد منطقی آن، تشدید تنش در مناسبات مجلس و دربار بود.

البته، قبل از وقوع تحصن در میدان توپخانه، انجمن‌ها که نشانه‌های شدت گرفتن مخالفت‌ها علیه مجلس را درک کرده بودند، کوشیدند با تصرف مدرسهٔ سپهسالار و اتصال آن به باغ بهارستان، در اطراف مجلس سنگربندی کنند و از موقعیت ممتاز این محل در دفاع از مجلس بهره گیرند؛ زیرا از داخل شهر و اطراف عمارت امکان ورود مخالفان وجود نداشت. مگر آنکه از خارج شهر با توپ بتوانند به ساختمان مدرسه و مجلس حمله کنند. صاحب‌منصبان مشروطه‌خواه از صمیم قلب برای خدمت به ملت، یک ادارهٔ نظامی مناسب راه‌اندازی کردند. انجمن‌های ملی همچون انجمن شاه‌آباد، مظفری و... افراد مسلح خود را به حراست از مجلس واداشتند (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۱۶۷-۱۶۸). این انجمن‌های مدافع مشروطه که در مدرسهٔ سپهسالار تجمع کرده بودند، ضمن نامه‌ای از مجلس درخواست کردند در اسرع وقت کمیسیون نظامی جدید را برای سامان‌دهی قشون ملی و داوطلب تشکیل دهد (مذاکرات مجلس اول، سه‌شنبه ۱۲ شوال ۱۳۲۵). مجلس به انجمن‌ها پاسخ داد که باید با دولت وارد گفت‌وگو شود و در حال حاضر نیازی نیست که انجمن‌ها در این هوای سرد در مسجد سپهسالار متحصن شوند و اردو تشکیل دهند. نمایندگان معتقد بودند باید از این انجمن‌ها تشکر کرد که در این سردی هوا با کمال نجابت و معقولیت متحمل همه قسم زحمات و صدمات شده‌اند.

ناصرالملک، رئیس‌الوزرای وقت که در این مذاکرات حضور داشت، با تأیید نظر نمایندگان، اشاره به اقدامات دولت در تأمین امنیت و تشکر از همراهی ملت اضافه کرد که با این سرما حاجت به اردو نیست و هرگاه لزوم پیدا کند، دولت مراتب آن را حتماً به مجلس اعلام خواهد کرد: «در باب قشون هم نگفتم لازم نیست، البته باید تهیه شود؛ ولی قبل از وقت هم باید سنجید و فهمید که چقدر و چطور لازم است و روی کاغذ آورد تا معلوم شود» (روزنامهٔ مجلس، ۱۳۲۵، س ۱، ش ۲۱۲). حاج معین‌التجار نظر خود را در ادامهٔ سخنان رئیس‌الوزرا بیان کرد: «اردو لازم است ولی نه اینکه در طهران باشد، بلکه در سرحدات مثل کردستان و فارس و خراسان باشد این اندازه از قشون را هم حرکت دادن

فی الحقیقه تشکیل اردو نیست». رئیس در جمع‌بندی سخنان وکلا و رئیس‌الوزرا گفت: «محتاج به فکر و تأمل می‌باشد. قشون ملی همان نظام جدید است. همه قشون ملی هستند در این باب باید بعد از مشاوره جواب بدهند» (همان‌جا). احتشام‌السلطنه که پس از صنیع‌الدوله به ریاست مجلس رسید، در خاطرات خود آورده است که وی برای پیش‌گیری از عواقب ناگوار تشکیل قوای مجاهد (چریک) و کنترل آن‌ها، انتخاب فرمان‌دهی مطمئن و همچنین وضع قوانین لازم در این باره به مجلس پیش‌نهاد کرد طرح سرشماری در تهران و سایر ولایات را در دستور کار قرار دهد تا از این طریق بتوان خدمت نظام اجباری را مانند آلمان و عثمانی و سایر کشورها اجرا کرد. پیش‌نهاد وی حاوی این موارد بود:

- ایجاد قشون آموزش‌دیده ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار نفری متشکل از نیروی دریایی، زمینی و پیاده‌سوار، توپخانه و غیره؛
- آموزش نظامیان تحت نظر صاحب‌منصبان و فرمان‌دهان ایرانی؛
- ایجاد مدارس و دانشگاه‌های نظامی؛
- استخدام معلمان نظامی از کشورهای بی‌طرف؛
- تصفیة قوای قزاق حقوق‌بگیر فعلی با اخراج فرمان‌دهان روسی؛

وی بر این باور بود که با این راه‌کارها موفق به ایجاد یک فوج یا لشکر فدایی مانند گارد ملی یا ینی‌چری عثمانی خواهد شد و این قشون حافظ مجلس و مشروطه خواهند بود و قوای قزاق تحت فرمان افسران روسی و آلت دست شاه را به حاشیه خواهد راند؛ بدین ترتیب شاه نیز خلع سلاح می‌شود (احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۷: ۶۲۲-۶۲۳).

۴. علل ناکامی مجلس در تشکیل قشون ملی

جمع‌بندی نهایی آرای نمایندگان مجلس این بود که باید کمیسیون مخصوص جهت سامان‌دهی امور نظامی کشور تشکیل شود و قشون ملی نیز منحصر به تهران نباشد؛ زیرا مجلس به وجود ناامنی گسترده در کشور آگاه بود. ناامنی و هرج‌ومرج‌های موجود که تا

حد زیادی معلول تحریکات شاه و اطرافیان‌ش بود، از چشم مجلس پنهان نماند. با وجود این می‌توان از سخنان نمایندگان مجلس دربارهٔ ارتش ملی دو دیدگاه را شناسایی کرد:

دیدگاه نخست متعلق به نمایندگان جریان تندروی مجلس همچون تقی‌زاده بود که به ارتش ملی به‌عنوان وسیله‌ای برای افزایش قدرت بیشتر مجلس و مشروطه در مقابل دولت و دربار می‌نگریست و با جدیت خواهان استفاده از هیجان و اشتیاق عمومی ملت برای تشکیل فوری ارتش ملی بود. براینده آرای آنان لزوماً یک ارتش مدرن به‌معنای دقیق کلمه نبود؛ بلکه می‌توانست بسیج انبوهی از داوطلبان ملی و محلی را شامل شود.

دیدگاه دوم برخاسته از آرای نمایندگان جریان معتدل و میانه‌روی مجلس بود که اعتقاد داشتند قشون ملی همان ارتش نو است؛ بنابراین تفکیک قوای دفاعی کشور به دو دسته متمایز ملی و دولتی را باور نداشتند. رئیس مجلس و نزدیکان وی، و هواداران محمدعلی‌شاه در مجلس را می‌توان در این دسته جای داد. برای نمونه، در جلسهٔ ۱۲ شوال ۱۳۲۵ حسنعلی‌خان بیان کرد:

در اینکه از برای مملکت یک نظام جدید مرتبی لازم است حرفی نیست [...] اسم قشون ملی یک نوع اسباب جدایی می‌شود یعنی به این اسم. والا ترتیب صحیح خیلی خوب است. مخصوصاً لایحه‌ای که جناب صنیع‌الدوله وزیر علوم در این چند روزه نوشته‌اند مشعر بر این است که اهالی این مملکت باید یک اندازه از ثروت خودشان را برای حفظ و حراست مملکت بدهند و این همان مالیات است که گرفته می‌شود و باید یک اندازه به مصرف قشون برسد؛ پس هرچه زودتر کمیسیون نظام تشکیل شود و وزارت جنگ قوانین نظام را معین نموده که نظام به ترتیب صحیح فراهم شود (روزنامهٔ مجلس، ۱۳۲۵، س ۱، ش ۲۱۲).

از آنجا که بحث قشون مسئله‌ای ملی بود و مخالفت آشکار با آن ممکن نبود، دست‌نشانندگان محمدعلی‌شاه و دربار در مجلس مخالفت خود را از دیدگاه ایجاد تنش بین مجلس و دولت، امکان بروز هرج‌ومرج در حین سربازگیری و مشق نظامی مردمی یا عدم ضرورت ایجاد قشونی خارج از ساختار وزارت جنگ و قشون دولتی ابراز می‌کردند.

حاصل نظر مجلسیان درباب قشون ملی به این امر منتهی شد که نظام‌نامه مخصوصی برای این کار نوشته شود و برای اجرا به تأیید شاه برسد؛ اما این امر به دلیل گرفتاری‌های بی‌شمار مجلس صورت پذیرفت. به تعبیر دولت‌آبادی، این موضوع اگرچه موافق میل تندروان است، طرف‌داران شاه و موافقان با رئیس مجلس تعدادشان زیاد است و معلوم نیست که اقلیت تندرو بتواند آن را حتی در مجلس طرح کند؛ چنان‌که نتوانست مطرح کند (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۲/۲۰۳). در مجموع، موضوع ارتش ملی به یکی از موارد مهم اختلاف مجلس و دولت تبدیل شد. مشکلاتی هم که مخالفان مشروطه برای مجلس ایجاد کردند، فرصت هرگونه اقدام مؤثر را از مجلس گرفت. کمتر از یک ماه بعد از مذاکرات، درگیری مشروطه‌خواهان با شاه و مخالفان مجلس با عنوان مشروطه‌طلبان زیادتر شد. البته، مجلس در ماجرای توپخانه با اتکای قوای دفاعی انجمن‌ها موفق شد شاه و مشروطه‌خواهان را موقتاً به عقب براند و شاه را وادارد تا با سوگند مجدد، وفاداری خود را به مجلس ابراز کند؛ اما ماجرای ترور شاه تنش بین مجلس و دربار را به اوج رساند و شاه را واداشت تا شرایطی را برای صلح پیش‌نهاد کند که از محتوای آن می‌توان میزان نگرانی شاه را از ارتش ملی درک کرد:

- اقتدار شاه مانند اقتدار امپراتور آلمان باشد؛
- شاه حق داشته باشد همه‌وقت ۱۰ هزار قشون در تهران نگه دارد؛
- شاه اختیارات تام در کار قشون داشته باشد؛
- وزیر جنگ فقط نزد شخص شاه مسئول باشد.

در خواهش اول، شاه می‌خواست اختیاراتی بیش از آنچه در قانون اساسی برای او معین شده بود، دارا باشد. درخواست دوم به دلیل نگرانی‌اش از تشکیل ارتش ملی بود؛ زیرا عده‌ای از جوانان مملکت مسلح شده و آرامش او را مختل کرده بودند؛ بنابراین می‌خواست درمقابل آن‌ها ۱۰ هزار قشون برای حفظ خود داشته باشد. درخواست سوم او هم ناشی از همین خیال بود و شاید درخواست دوم او به تحریک روس‌ها صورت گرفته

بود تا به این بهانه بر عدهٔ قزاق خود بیفزاید (دولت آبادی، ۱۳۷۱: ۲/۳۰۵-۳۰۶)؛ اما مجلس این درخواست‌ها را رد کرد.

با ترور اتابک و تیره شدن افق مشروطیت، صنیع‌الدوله از ریاست مجلس استعفا کرد و دودستگی بزرگی در صف‌بندی مجلس رخ داد. سعدالدوله، نمایندهٔ تندروی مجلس، به اردوگاه شاه پیوست. در نتیجه احتشام‌السلطنه، دومین رئیس مجلس شورای ملی، با درخواست شاه مبنی بر انحلال هیئت نظامی ملی در بهارستان و انجمن‌ها موافقت کرد. وی سعی کرد تمام میلیون مسلح را متفرق کند و فقط دو یست نفر را به‌عنوان مستحفظ ملی در بهارستان نگه دارد. سرانجام پس از مذاکره با نمایندگان انجمن‌های ملی مستقر در مدرسهٔ بهارستان، این امر تحقق یافت (همان، ۱۸۲). احتشام‌السلطنه در دفاع از اقدام خود می‌نویسد:

[من] ناگزیر از تشویق و حمایت از ایشان [قوای مجاهد ملی] بودم؛ زیرا با هیچ منطقی ممکن نبود به آن‌ها حالی کرد که اقدام مشروطه‌خواهان به تشکیل گارد برای مقابله با شاه و قوای قزاق تحت فرمان او، به شاه و اطرافیانش فرصت می‌دهد که علناً به جنگ با مجلس و مشروطه و قوای مجاهد برخیزند و راه هرگونه ایرادی را به او می‌بندد و جنگ شاه با مجلس را تسریع خواهد کرد (احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۷: ۶۱۸).

اما واقعیت چیزی دیگر بود. اگر نمایندگان مجلس به انگیزهٔ مصالحه با شاه که اینک سودای انهدام مشروطه را در سر داشت، نیروهای مجاهد داوطلب مدافع مجلس را پراکنده کردند، همین امر دست شاه را برای تهاجم به مجلس باز گذاشت؛ چنان‌که اندکی پس از مصالحهٔ شاه با مجلس و پراکنده شدن قشون ملی، محمدعلی‌شاه مجلس را به توپ بست. نیروهای ملی داوطلب موجود هم به دلیل ناکارآمدی و مدیریت بد نتوانستند در مقابل قوای شاه که روسیه از آن‌ها حمایت می‌کرد، مقاومت کنند؛ در نتیجه مجلس اول سقوط کرد.

بدین ترتیب، اندیشهٔ ارتش ملی اقدامی ابتکاری بود که از سطح ملت به مجلس و دولت رسید. این اندیشه نه از تجربهٔ کشوری دیگر الگو گرفته بود و نه راه‌برد و نقشهٔ مشخصی داشت. هرچند مجلس سعی کرد تا این اندیشه را در قالب قوانین و الگوهای

نظامی عثمانی و آلمان انتظام دهد، هیجان عمومی و جنجال‌های طرف‌داران افراطی این جریان، مشکلات داخلی و خارجی کشور این طرح را بیشتر به سوی الگوی نامنظم و قوای چریکی سوق داد و در نهایت هیچ الگویی به اجرا درنیامد. در واقع، در آن فضای پرتهاپ، سرنوشت ارتش ملی با سرنوشت مجلس و مشروطه گره خورد و با بمباردمان مجلس این اندیشه محقق نشد و اساساً با حضور شاه و نیروهای استبدادگر هوادار او، تشکیل چنین ارتشی در آن فضا امکان‌پذیر نبود.

این موضوع را بسیاری از فعالان سیاسی آن عهد متذکر شده‌اند. به‌باور دولت‌آبادی، «ایجاد نظام ملی با هدف مسلح شدن جمعی از مردم موجب وحشت فوق‌العاده شاه می‌شد و دوگانگی میان قشون دولت و نظام ملی آن‌ها را با نظام ملی طرف خواهد کرد» (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۲/۲۰۲-۲۰۳). مجدالاسلام کرمانی معتقد است انجمن‌ها و طرف‌داران این طرح در مجلس گمان می‌کردند که مقصود از قشون ملی این است که حتماً ملت باید در مقابل دولت دارای قشون و استعداد نظامی باشد. فلسفه قشون ملی دفاع از کشور در برابر بیگانه است (کرمانی، ۲۵۳۶: ۸۲-۸۳). احتشام‌السلطنه نیز معتقد بود مسلح شدن جمع دویت سیصد نفری از آخوند پنجاه‌ساله تا جوان‌های بیست‌ساله را نمی‌توان ارتش ملی خواند؛ زیرا موجب علنی شدن مقابله شاه با مجلس و ایجاد هرج و مرج‌هایی از جنس ناآرامی‌های دوران انقلاب فرانسه می‌شود (احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۷: ۶۲۲).

واقعیت این است که طرح تأسیس ارتش ملی با وجود حسن‌نیت بانیان و مشوقان نخستین آن، به افزایش اصطکاک مجلس و دولت دامن زد و به طرحی ملی و قانونی تبدیل نشد. البته، بخش بزرگ این ناکامی ناشی از فضای ملتهب دوران مشروطه بود که هیچ چشم‌اندازی جز رویارویی آشکار دربار و مجلس نداشت؛ در نتیجه طبیعی بود که مجلس را از تشکیل کمیسیون نظامی و اندیشه سامان‌دهی ارتش ملی و تصویب قوانین مربوط به آن بازدارد و نیروهای سرکوبگر مشروطه را در انهدام آن مصمم‌تر کند.

۵. ملت پیش‌گام مجلس در تشکیل ارتش ملی

پس از تشکیل مجلس شورای ملی، پیوند مردم با حاکمیت مستحکم‌تر شد و قشرهای مختلف در کنار نمایندگان خود در مجلس در مقابل مسائل موجود در کشور واکنش نشان دادند. ملت از وکلای خود خواست که هرچه سریع قوانین مربوط به قشون ملی را وضع کرده، مردم را به این امر تشویق کنند؛ زیرا تنها راه چاره برای حفظ بیضهٔ اسلام و خاک پاک وطن انتظام دواير لشکری و تعلیم و تربیت عساکر ملی بود (روزنامهٔ انجمن تبریز، ۱۳۲۵، س ۲، ش ۲۱، ص ۲). مردم به‌صورت داوطلبانه و خودجوش در مناطق گوناگون کشور به مشق نظامی می‌پرداختند. انجمن‌های ملی به‌ویژه انجمن آذربایجان، برادران دروازهٔ قزوین، مظفری، شاه‌آباد و مجاهدان کار سربازگیری داوطلب را آغاز کردند و در مدتی کوتاه، عده‌ای را بدون برقراری انتظامات درست مسلح نمودند (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۲/۲۰۲).

گارد ملی تشکیل شده مجاهد نیز خوانده می‌شد: «در جامعهٔ ایران بار مذهبی داشت و مشروطه‌خواهان می‌خواستند مبارزه در راه مشروطیت را همسان جهاد در راه دین خداوند نشان دهند» (یزدانی، ۱۳۸۸: ۵۶). کسروی تمرین قشون ملی را به تبریز و رشت منحصر کرده است؛ ولی در روزنامه‌های آن دوره می‌توان نشانه‌هایی از این حرکت در سایر شهرها هم یافت که اگرچه به شکوه و گستردگی تبریز نبود، قابل انکار هم نبود. تفاوت تبریز ممکن است از این روی باشد که همواره در خطر حملهٔ عثمانی و روس بود و بر اثر معاشرت با انقلابی‌های قفقازی، پس از مشروطه دیگر کشور را از آن خود می‌دانست و دفاع از آن را وظیفه و واجب عینی خود فرض می‌کرد.

البته، حرکت داوطلبانهٔ مشق نظامی مردم در شهرها بدون قاعده نبود؛ بلکه انجمن‌ها بر آنان نظارت داشتند و مانع از هرج‌ومرج و آسیب‌دیدگی داوطلبان می‌شدند تا بهانه‌ای به دست مخالفان نداده باشند؛ مثلاً انجمن تبریز اعلانی را منتشر کرد تا به‌موجب آن هیئت محترم انجمن به کسانی که پیش‌تر در محلهٔ خود مشغول مشق نظامی بودند، اجازه دهد که فقط روزهای جمعه با کمال آرامش مشغول مشق نظامی شوند و پس از اتمام مشق، هرکس

اسلحه خود را در خانه بگذارد و به کسب و دادوستد خود بپردازد (روزنامه انجمن تبریز، ۱۳۲۵، س ۱، ش ۱۰۵، ص ۴).

اهالی محله شاه آباد تهران (روزنامه تمدن، ۱۳۲۵، س ۱، ش ۵، ص ۱)، رشت، انزلی، لیل آباد، چرنداب و اصفهان قریب ۲ هزار نفر مشغول مشق نظامی بودند (روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، ۱۳۲۵، س ۱، ش ۳۱، ص ۸). در بیرجند، تحت تأثیر مقالات *حبل المتین* و بیانات حجه الاسلام آقا حاجی شیخ محمدباقر مجتهد که رئیس روحانی مسلم تمام قانات بود، با شور و شوقی وصف ناپذیر ۵۰ هزار نفر^۱ به مشق نظامی مشغول شدند (روزنامه حبل المتین، ۱۳۲۵، س ۱۵، ش ۲۱، ص ۱۹). در کرمان، مردم با رهبری ناظم التجار کرمانی قورخانه دولتی را تصرف کردند و برای حمایت از مشروطیت، قشون ملی تشکیل دادند (ملکزاده، ۱۳۲۹: ۲/۲۶۲). علمای نجف اشرف در لزوم نظام ملی و مشق حرب براساس قواعد نظامی جدید، حکمی صادر کردند. همچنین، با ذکر اهمیت مشق عمومی برطبق قانون، خطاب به مجلس بیان کردند که هیچ عذری برای تأخیر تعیین قانون مشق نظامی در نظر نمی آید (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ۲۱۴).

بر اثر گسترش این هیجانانگیز در کشور، افرادی که صاحب فن و صنعتی بودند که می توانستند باعث پیشرفت قشون ملی شوند و ملت را در این راه یاری کنند، اعلام آمادگی کردند. برای نمونه، فردی به نام محمدجعفر خیاط، مخترع توپ مسلسل، به مجلس شورای ملی اعلام کرد حاضر است صنعت خود را در اختیار دولت بگذارد. او با وزیر جنگ وقت، شاهزاده فرمان فرما، مذاکره کرد و حتی نمونه باروتی درست کرد که از نمونه فرنگی آن یک درجه بهتر بود؛ ولی دولت به بهانه نبود بودجه برای این کار، هیچ اقدامی نکرد (اسناد ۲/۱۳۶/۸/۱۱/۱، ۲/۱۳۶/۸/۱۱/۴، ۲/۱۳۶/۸/۱۱/۶، ۲/۱۳۶/۸/۱۱/۸، ۲/۱۳۶/۸/۱۱/۹). شاید به این علت به پیش نهاد این شخص وقعی گذاشته نشد که وزارت جنگ در اوآن همان سال (۱۹۰۷م/۱۳۲۵ق)، قرارداد کترات مهندسی قورخانه و کارخانه فشنگ سازی را به مسیو ژولین بوش فرانسوی به مدت

۱. در روزنامه تصریح شده است که ۵۰ هزار نفر؛ اما این رقم به نظر بعید می رسد و امکان دارد که نگارنده برای پرشور جلوه دادن این حرکت، در ذکر این رقم اغراق کرده باشد.

سه سال داده بود (اسناد ۲/۱۳۶/۸/۱۱/۲۵، ۲/۱۳۶/۸/۱۱/۲۶ از آرشیو مجلس شورای اسلامی).

از زمان سازمان‌دهی و شکل‌گیری ارتش ملی، عده‌ای از لوطیان یا به تعبیر ثقه‌الاسلام «اجامر و اوباش» (تبریزی، ۲۵۳۵: ۵۲) به گارد ملی پیوستند. مشروطه‌خواهان نیز آنان را به‌عنوان نیروی بزن‌بهادر و بازوی قهریه درمقابل مستبدان پذیرفته بودند (یزدانی، ۱۳۸۸: ۵۹). درست است که مردم صمیمانه و داوطلبانه به این جنبش پیوستند، حتی سردمداران این حرکت برنامه‌ریزی و برداشت دقیق از توانایی‌ها و امکانات موجود نداشتند. این امر را از گفت‌وگویی که میان تقی‌زاده و مستشارالدوله پیش از به توپ بستن مجلس صورت گرفته است، می‌توان درک کرد. مستشارالدوله خطاب به سیدحسن تقی‌زاده گفت: حال که صلح نکردیم، باید منتظر جنگ شد. تقی‌زاده گفت: همه چیز داریم و شرح داد ۳ هزار تفنگ با مقداری فشنگ موجود است. مستشارالدوله پرسید: چه کسانی از این تفنگ‌ها استفاده می‌کنند؟

گفتند سربازان ملی که در محلات و میدان‌های مختلف تهران چندی است هر روزه مشغول مشق هستند. تعداد آن‌ها را شمرده گفتند از جمله انجمن دروازه قزوین که شامل پاره‌ای ایلات طرف قزوین هم هست بیست و هفت هزار نفر اعضا دارد. قریب به نصف قزاقخانه به طرف‌داری ما حاضر هستند. نصف بیشتر توپخانه به همراهی ما قول داده‌اند. وقتی که امر شود توپ‌ها را از توپخانه خارج کنند بیشتر آن‌ها رو به باغشاه شلیک خواهند کرد.

مستشارالدوله می‌نویسد: «من درمقابل این حسن اعتمادی که آقای تقی‌زاده به قول و قرارها داشت بدون داشتن اندک عقیده مباحثه را بی‌فایده دانستم» (مستشارالدوله صادق، ۱۳۶۱: ۵۴-۵۵). به نظر می‌رسد مردم در بروز میهن‌دوستی خود و علاقه به حفظ حدود و ثغور و تمامیت کشور چیزی کم نگذاشتند؛ اما مجلس و دولت به دلیل تنش‌های موجود نمی‌توانستند نظام‌نامهٔ قوای نظامی را تدوین کنند.

۶. نتیجه

پس از پیروی نهضت مشروطه، همگام با تلاش انجمن‌های خودجوش مردمی در دفاع از استقلال و تمامیت کشور، اندیشه سازمان‌دهی امور نظامی کشور شکل گرفت. مجلس ابتدا به نفی وضع موجود پرداخت تا اعتراض خود را به عدم پاسخ‌گویی وزارت جنگ در برابر مجلس و نیز واکنش به رفتار بریگاد قزاق نشان داده باشد و در وجه ایجابی یا ترسیم وضع مطلوب، به اصلاح قوای نظامی کشور همت گماشت. مجلس بر طرح ایجاد ارتشی نو و ملی صحنه نهاد؛ اما تفکیک قشون ملی از قشون دولتی باعث دودستگی میان نمایندگان شد. در واقع، نمایندگان افراطی و تندرو مجلس همچون نمایندگان آذربایجان بر تقابل قشون ملی با قشون دولتی تأکید می‌کردند و قشون ملی را وسیله‌ای برای افزایش اقتدار مجلس می‌دانستند. اما نمایندگان معتدل و گاه طرف‌دار محمدعلی‌شاه ایجاد تنش میان دولت و مجلس را دست‌مایه مخالفت با طرح ارتش ملی می‌دانستند. در نتیجه، در پی طرح اندیشه ارتش ملی در مجلس، نگرانی‌های ناشی از آن به اختلاف عمیق میان دولت و ملت منجر شد.

با آنکه انجمن‌ها و مردم در شهرهای مختلف مشق نظامی می‌دیدند، هرگز نتوانستند قوایی کارآمد و منظم ترتیب دهند تا به اتکای آن کشور بتواند از حملات دشمنان داخلی و خارجی مصون بماند. چنین به نظر می‌رسد که اگر یک کمیسیون نظامی در مجلس شکل می‌گرفت و به دور از تنش‌های سیاسی و جناحی، قوانین واقع‌بینانه‌ای با هدف سامان‌دهی ارتش تدوین می‌کرد و تمام تلاش‌ها مصروف قشون واحد منظم و مجهز با عنوان ارتش ملی ایران می‌شد، می‌توانست به یک بازوی نیرومند جهت دفع تجاوزات بیگانگان و غلبه بر بحران‌های داخلی بدل شود و از تنش‌های موجود میان سلطنت و پارلمان نیز بکاهد.

منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۱). **ایران بین دو انقلاب**. ترجمهٔ کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری و محسن مدیرشانه‌چی. چ ۱۶. تهران: نشر مرکز.
- آفاری، ژانت (۱۳۷۹). **انقلاب مشروطهٔ ایران**. ترجمهٔ رضا رضایی. تهران: نشر بیستون.
- احتشام‌السلطنه، محمودمیرزا (۱۳۶۷). **خاطرات احتشام‌السلطنه**. به کوشش سید محمد مهدی موسوی. تهران: زوار.
- تبریزی، علی (۲۵۳۵). **مجموعهٔ آثار قلمی ثقه‌الاسلام شهید تبریزی**. به تصحیح نصرت‌الله فتحی. تهران: انجمن آثار علمی.
- تکمیل همایون، ناصر (۱۳۷۶). **تحولات قشون در تاریخ معاصر ایران**. ج ۱. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۷۱). **حیات یحیی**. تهران: عطار.
- شجاعی، زهرا (۱۳۷۵). **نقش نمایندگان در مجلس قانونگذاری عصر مشروطیت**. ج ۱. تهران: سخن.
- شریف‌کاشانی، محمد مهدی (۱۳۶۲). **واقعات اتفاقیه در روزگار**. به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان. تهران: نشر تاریخ ایران.
- شمیم، علی اصغر (۱۳۸۷). **ایران در دورهٔ سلطنت قاجاریه**. تهران: بهزاد.
- طوسی، ر. (۱۳۶۹). «ارتش ایران ۱۲۵۹-۱۲۸۶ هـ.ش، ۱۸۸۰-۱۹۰۷ م». ترجمهٔ حسینعلی نودری. **تاریخ معاصر ایران** (کتاب دوم). تهران: مؤسسهٔ پژوهش و مطالعات فرهنگی.
- عین‌السلطنه، قهرمان میرزا سالور (۱۳۷۴). **روزنامهٔ خاطرات عین‌السلطنه**. به تصحیح مسعود سالور و ایرج افشار. تهران: اساطیر.
- فرید، ناصر (۱۳۸۳). **نقش ارتش در تحولات تاریخی ایران**. تهران: کومش.

- قائم مقامی، جهانگیر (۲۵۳۵). **تاریخ ژاندارمری ایران از قدیمی ترین ایام تا عصر حاضر**. تهران: انتشارات اداره روابط عمومی ژاندارمری کشور شاهنشاهی.
- کاتوزیان تهرانی، محمدعلی (۱۳۷۹). **تاریخ انقلاب مشروطیت ایران**. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- **کتاب آبی** (۱۳۶۲). به اهتمام احمد بشیری. ج ۱. تهران: نشر نو.
- کرونین، استفانی (۱۳۷۷). **ارتش و تشکیل حکومت پهلوی**. ترجمه غلامرضا علی بابائی. تهران: خجسته.
- کسروی، احمد (۱۳۸۳). **تاریخ مشروطه ایران**. تهران: امیرکبیر.
- مجدالاسلام کرمانی، احمد (۲۵۳۶). **تاریخ انحطاط مجلس**. مصحح محمود خلیل پور. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- مستشارالدوله صادق (۱۳۶۱). **خاطرات و اسناد مستشارالدوله صادق**. به کوشش ایرج افشار. ج ۱. تهران: فردوسی.
- _____ (۱۳۶۲). **خاطرات و اسناد مستشارالدوله صادق**. به کوشش ایرج افشار. ج ۲. تهران: فردوسی.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴). **شرح زندگانی من**. تهران: زوار.
- ملکزاده، مهدی (۱۳۲۹). **تاریخ انقلاب مشروطیت ایران**. ج ۲. مصحح مرتضی پارسا. تهران: کتابخانه سقراط.
- میرزا صالح، غلامحسین (۱۳۸۳). **متن کامل مذاکرات نخستین مجلس شورای ملی توسعه سیاسی ایران در ورطه سیاست بین الملل**. تهران: مازیار.
- ناظم الاسلام کرمانی، محمد (۱۳۸۴). **تاریخ بیداری ایرانیان**. تهران: امیرکبیر.
- یزدانی، سهراب (۱۳۸۸). **مجاهدان مشروطه**. تهران: نشر نی.
- یلفانی، رامین (۱۳۷۶). **زندگانی سیاسی ابوالقاسم خان ناصرالملک**. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

اسناد و روزنامه‌ها

- اسناد ۲/۱۳۶/۸/۱۱ مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ایران.
- **انجمن تبریز**، جلد اول، سال اول، شمارهٔ ۱-۱۴۹، سال دوم، شمارهٔ ۱-۱۴، کتابخانهٔ ملی جمهوری اسلامی، تهران، ۱۳۷۴.
- **انجمن تبریز**، جلد دوم، سال دوم، دورهٔ اول، شمارهٔ ۱۵-۳۲، دورهٔ دوم، شمارهٔ ۱-۳۲، سال سوم، شمارهٔ ۱-۳۶، تهران: کتابخانهٔ جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۶.
- **انجمن مقدس ملی اصفهان**، دورهٔ اول از سال ۱۳۲۴-۱۳۲۶ق، به اهتمام محمدعلی چلونگر، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۸۵.
- **تمدن**، سال اول از شماره ۱-۸۰، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- **حبل‌المتین کلکته**، سال ۱۴-۲۲، «لوح مطبوعات فارسی ایران»، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- **مجلس**، سال ۱-۵، «لوح مطبوعات فارسی ایران»، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.